



ثبات و همگرایی؛ آرای غیر بیومتریک وارد سیستم شده است

تیم انتخاباتی ثبات و همگرایی به رهبری عبدالله عبدالله، از نامزدان پیشواز انتخابات ششم میزان می گوید که حلقاتی در داخل کمیسیون انتخابات در تباری با تیم ارگ [دولت ساز] تلاش می کنند که یک تقلب سیستماتیک را سازمان دهی کنند. اسدالله سعادت، معاون دوم تیم انتخاباتی ثبات و همگرایی که دیروز (شنبه، ۲۰ میزان) در یک نشست خبری در کابل صحبت می کرد، هم چنان گفت که به رغم تلاش های این تیم برای جلوگیری از تقلب، هنوز هم روند کاری در کمیسیون انتخابات به گونه ای انحرافی پیش می رود.

آقای سعادت افزود که اصل و معیار درستی و نادرستی آرا، استفاده از دستگاه بیومتریک است و آرای معتبر شمرده می شود که از طریق بیومتریک طی مراحل شده باشد، اما از دو روز به این طرف کمیسیون مستقل انتخابات خلاف طرز العمل ها، لویج و توافقات پیش از انتخابات میان نمایندگان نامزدان، احزاب سیاسی، کمیسیون انتخابات و شرکت درملوک؛ آرای بدون بیومتریک را نیز وارد سیستم می کند. او تأکید کرد که از دید تیم ثبات و همگرایی، این کار کمیسیون مستقل انتخابات «تلاش مبهمی است در جهت گذاشتن سنگ بنای یک تقلب سیستماتیک که حلقاتی در داخل کمیسیون تلاش دارند در تباری با تیم ارگ آرای سیاه، تقلبی و باطل را وارد سیستم کند».

معاون دوم تیم ثبات و همگرایی گفت که موفق این تیم براساس قانون، طرز العمل ها و لویج کمیسیون این است که وارد کردن آرای باطل به سیستم به هیچ صورت قابل قبول نیست. به گفته ی او، در صورتی که کمیسیون مستقل انتخابات به این روند انحرافی اش ادامه بدهد، تیم ثبات و همگرایی در مقابل قانون شکنی و هرنوع حرکت مشکوک ایستادگی خواهد کرد و به هیچ کسی اجازه نخواهد داد که آرا و اراده ی مردم افغانستان را منحرف کند. اسدالله سعادت همچنان از کمیسیون انتخابات خواست که روند «دیتا انتری» را سر از امروز شنبه متوقف کند. کمیسیون مستقل انتخابات در اعلامیه ای گفته است که روند ثبت فرم نتایج در مرکز ملی جمع بندی آغاز و تا کنون بیشتر از ۱۴ هزار فرم داخل سیستم شده است.

نخستین نمایشگاه تجارتي «ساخت افغانستان» در باکو گشایش یافت

وزارت صنعت و تجارت کشور از گشایش نخستین نمایشگاه تجارتي «ساخت افغانستان» در باکو، پایتخت آذربایجان خبر داده است. در مراسم گشایش این نمایشگاه، اجمل احمدی، سرپرست وزارت صنعت و تجارت نیز حضور داشته است. در اعلامیه ی این وزارت که دیروز (شنبه، ۲۰ میزان) منتشر شده، آمده است که در این نمایشگاه ۳۰ شرکت تجارتي - صنعتی افغانستان محصولات تولیدی شان را به نمایش گذاشته اند. نمایشگاه تجارتي «ساخت افغانستان» برای چهار روز برگزار شده و تا روز دوشنبه هفته ی جاری (۲۲ میزان) ادامه خواهد داشت.

به نقل از اعلامیه، این محصولات شامل صنایع دستی، میوه های تازه و خشک، قالین، زعفران، سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی و مواد غذایی بوده است. وزارت صنعت و تجارت گفته است که این نمایشگاه برای نخستین بار از سوی این وزارت به هدف معرفی و بازاریابی به محصولات صادراتی به شهروندان آذربایجان در شهر باکو، برگزار شده است. همزمان با این، وزارت صنعت و تجارت از گشایش دهلیز هوایی کابل - باکو خبر داده و گفته است که در اولین پرواز از طریق این دهلیز، ۴۳ متریک تن محصولات صادراتی تاجران افغان شامل صنایع دستی، قالین، میوه ی تازه و خشک و زعفران به آذربایجان فرستاده شده است.

عملیات نظامی ترکیه در شمال سوریه؛ درگیری های شدید در راس العین

با ادامه عملیات نیروهای ارتش ترکیه در شمال سوریه، گزارش هایی در مورد درگیری های شدید در منطقه منتشر شده است. شهر راس العین (سری کانی) هدف آتش توپخانه قرار گرفته و ستون هایی از دود مشاهده شده است. وزارت دفاع ترکیه از تصرف مرکز این شهر به دست پیکارجویان مورد حمایتش خبر داده است اما هنوز منبع مستقلی این ادعا را تأیید نکرده است. جنگنده های ترکیه نیز بر فراز شهر به پرواز در آمده اند و از زمین نیز صدای تیراندازی های شدیدی به گوش رسیده است.

پیشتر گزارش شده بود پیکارجویان مرتبط با ترکیه به جاده استراتژیکی در سی کیلومتری مرز رسیده اند. یک مقام ترکیه از ورود این نیروها به راس العین (سری کانی) خبر داده است. مرکز نظارت بر حقوق بشر سوریه که در بریتانیا مستقر است گفته است بیش از یک صد نفر از نیروهای کرد از زمان آغاز عملیات ارتش ترکیه در روز چهارشنبه کشته شده اند. این مرکز می گوید در درگیری ها، ۲۰ غیرنظامی هم کشته شده و یک صد هزار نفر مجبور به فرار از خانه های خود شده اند. با تداوم درگیری ها، مقام های آمریکا فشارها بر ترکیه برای متوقف کردن عملیات نظامی علیه کردهای شمال سوریه را تشدید کرده اند. آمریکا هشدار داده که به دنبال ورود نیروهای ارتش ترکیه به شمال سوریه آماده وضع تحریم های جدیدی علیه این کشور است.

نتیجه ی انتخابات؛ مشکلات تخنیکي و اتهامات



صفحه

لزوم عقلانیت گرایی در مراسم مذهبی

امیرپناهیان

همه تئوریسین های مطرح، برای خلاصی از بن بست های فکری مطروحه در مناسبات دینی انجام یافته است. دین نه تنها در قالب یک نیاز مبرم در جامعه بشری تبارز یافته و رشد نموده است؛ بلکه به عنوان یک سازه مناسب برای کنش های اجتماعی و فعالیت های سیاسی نیز مورد پذیرش جوامع انسانی قرار گرفته است. کلیسای مذهبی در اروپا نمایان گروچ تفکر دینی در بطن تاریخ بشری، اکنون، حال و آینده بشر می باشد. بشر همیشه برای رفع احتیاجات روحی خود به دامن دین پناه برده و به منظور حفظ صیانت فکری خویش از مفاهیم دینی مدد جسته است. تاریخ تحولات بشر، گواه واضح بر این ادعاست. اما با این همه، مفاهیم دینی و به تبع آن اندیشمندان وابسته به بنیادهای مذهبی، همیشه در تزلزل فکری و کاهش فاصله های تئوریک میان دین و ارزش های جدید بشریت هستند. از توماس هابز تا

بسترهای دینی به عنوان واقعیت های انفکاک ناپذیر جوامع انسانی همیشه محور تحولات و چانه زنی های اجتماعی - علمی بوده و اندیشمندان دینی برای بیرون رفت از بن بست های ایدئولوژیک شان مسیرهای را پیموده اند. دین به عنوان نیاز روحی انسان ها در قدم نخست مملو از سازه ها و شاکله های است، که می بایست، انسان دین مدار از آن به عنوان پله های برای صعود و یا مسیری برای رسیدن به کمال مطلوب بهره برند. واقعیت های دینی در کنار بسترهای اجتماعی همیشه توانسته است، بخش عظیمی از نیروی فکری بشر را با خود همراه ساخته و حداقل در فضای فکری، انسان ها را وادار به اندیشه در مورد سازوکار ها و برداشت های دینی نماید. انسان ها در وهله نخست نیازمند اکتشافات دینی بوده اند و تلاش

تلاش برای از سرگیری گفت و گوهایی صلح؛ قاعده ی بازی در دست که است؟



صفحه

تیم الف وارد می شود



صفحه

نگرانی مردم و نهادهای ناظر را جدی بگیرد



صفحه

نگرانی مردم و نهادهای ناظر را جدی بگیرید

روند درج آرا در مرکز ملی جمع‌بندی نتایج، با پرسش‌ها و ابهامات جدی مواجه است. براساس گزارش‌ها و اطلاعات تأییدشده از درون کمیسیون مستقل انتخابات، جریان تفتیش و ثبت اوراق نتایج در سیستم بانک اطلاعاتی کمیسیون، با مشکلات جدی روبه‌رو بوده و طرزالعمل ثبت آرا در بسیاری از موارد، وضاحت نداشته است. مضاف بر این مورد، مرکز دیجیتالی کمیسیون انتخابات با مرکز ملی جمع‌بندی نتایج، به‌جای این‌که براساس شیوه‌ی مقایسه‌ی کار کنند، به شکل جداگانه کار کرده و هیچ‌گونه ضمانتی مبنی بر مقایسه‌ی مورد به مورد آمار میان دو مرکز (مرکز دیجیتالی و مرکز ملی جمع‌بندی نتایج) وجود ندارد. این در حالی است، که در جریان یک‌هفته‌ی گذشته، جریان ثبت و شمارش آرا، دست‌خوش رخدادها و اتهامات دیگری نیز بوده؛ رخدادها و تلاش‌ها هرکدام برای حمله به «سرور مرکزی»، معرفی شدن رییس «آی‌تی» کمیسیون مستقل انتخابات به سارنوالی و اتهاماتی نظیر وابستگی شماری از کمیشنران نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات به نامزدان و عدم بی‌طرفی دبیرخانه‌ی کمیسیون انتخابات. در چند روز گذشته، بسیاری از رسانه‌ها خبرها و مطالبی را به نقل از نهادهای ناظر انتخاباتی و مردم نشر کرده‌اند، که در متن آن، چیزی جز ابهام و تردید نسبت به روند کار و جریان درج آرا دیده نمی‌شود. پس از رسانه‌ای شدن خبر «تلاش هرکدام برای نفوذ به سرور مرکزی کمیسیون انتخابات»، نهادهای ناظر انتخاباتی از شرکت در مالوگ که مسوولیت ساخت سرور مرکزی و تأمین امنیت آنرا بر عهده دارند، می‌خواهند، که در مورد چگونگی تلاش هرکدام برای حمله به «سرور مرکزی» کمیسیون مستقل انتخابات توضیح دهد.

این نگرانی‌ها و درخواست وضاحت در مورد چگونگی و نوعیت حمله‌ی هرکدام، از یک بی‌اعتمادی و ابهام بزرگ ناشی می‌شود. بی‌اعتمادی و ابهام این است، که مسوولان در کمیسیون انتخابات، از ایمنی بانک اطلاعاتی و سرور مرکزی، به مردم و طرف‌های شریک در پروسه‌ی انتخابات اطمینان نداده و اقدامی را برای امن‌سازی این سیستم روی دست نگرفته است. تا این‌جای کار شرکت در مالوگ سکوت کرده و کمیسیون انتخابات هم تنها به بی‌اثر خواندن تلاش هرکدام آن هم به‌شکل ضمنی بسنده کرده است. براینکه این وضعیت، چیزی جز ابهام بیشتر و بی‌اعتمادی بیشتر نسبت به نتیجه‌ی انتخابات، چیزی دیگری نیست.

در کنار موارد که ذکر آن رفت، چند دستگی در میان مسوولان ارشد و اتهام وابستگی شماری از این مسوولان با نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری، نگرانی جدی دیگری است، که باید به آن توجه و برای رفع آن تلاش صورت گیرد. هرگاه طرزالعمل تفتیش و بازشمار آرا به‌صورت واضح و روشن تطبیق نشود و جریان درج آرا از شفافیت لازم برخوردار نباشد، اعضای کمیسیون مستقل انتخابات به تصمیم واحد مبنی بر اعلام نتیجه‌ی انتخابات نمی‌رسند. اطلاعات از درون کمیسیون انتخابات نشان می‌دهد، که اوراق نتایج نزدیک به ۲۵۰۰ محل از مجموع ۲۹ هزار محل رأی‌دهی، مشکوک ارزیابی شده و به تفتیش و بازشمار رفته است. در این مورد طرزالعمل ثبت و شمارش آرا می‌گوید، که اوراق نتایج مشکوک باید با داده‌های دستگاه بیومتریکی محل مربوطه مقایسه شود، در صورتی که میان آمار تفاوت وجود داشته باشد، آرای مشکوک از آرای پاک جدا می‌شود. در این زمینه مشکل اما این است، که تضمینی برای مرحله‌ی مقایسه‌ی اوراق نتایج با اطلاعات دستگاه بیومتریکی وجود ندارد.

کمیسیون مستقل انتخابات ضمن این‌که مسوولیت دارد، به نگرانی‌ها نسبت به امنیت «سرور مرکزی» پاسخ مناسب و قابل قبول بدهد، جریان مقایسه‌ی آمار دو مرکز ثبت نتایج (مرکز دیجیتالی و مرکز ملی جمع‌بندی نتایج) را به‌صورت شفاف به نهادهای ناظر، مردم و ناظران کاندیدان توضیح بدهد. بدون پاسخ‌گویی در این زمینه‌ها، نتیجه‌ی انتخابات برای طرف‌های شریک در این پروسه، قابل قبول نخواهد بود.

نتیجه‌ی انتخابات؛ مشکلات تخنیک و اتهامات

محمد نسیم نظری



شماری از ناظران انتخاباتی از نبود سیستم شفاف برای محاسبه آرا و نیز عدم میکانیزم مشخص برای جلوگیری از آرای بدون بیومتریکی در مرکز جمع‌بندی نتایج خبر می‌دهند. بر اساس معلومات این ناظران، میکانیزم تفکیک آرای بیومتریکی از آرای سفید، هنوز در درون کمیسیون مستقل انتخابات به صورت اساسی بررسی و نهایی نگردیده و به صورت عمدی آرای بدون بیومتریکی نیز در شمارش از سوی مسولین، مدار اعتبار قرار داده می‌شود.

اشرف غنی با گروه طالبان در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ پرده برداشت. او تأکید کرد که اشرف غنی با توسل به گروه طالبان در انتخابات ریاست جمهوری توانست بر اریکه قدرت و سیاست در کشور تکیه کند.

اما با این حال، پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان و حضور کم رنگ مردم افغانستان به پای صندوق‌های رأی، نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری هنوز دست از سر هم برنداشته و به تخریب و فروپاشی تیم‌های رقیب مشغول‌اند. در روز پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، عبدالله‌عبدالله، رییس اجرائیه از پیروزی در این دور انتخابات خبر داده و تأکید نمود که تیم ثبات و همکاری پیروز این میدان خواهد شد. پس از آن رییس‌جمهور غنی نیز در واکنش‌های متفاوت از پیروز شدن و راه یابی دوباره به ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان خبر داده و تأکید کرد که به احتمال زیاد برای پنج سال آینده در کرسی ریاست‌جمهوری باقی خواهد ماند. به باور رییس‌جمهور غنی، تیم دولت ساز، بیشترین آرای پاک و بیومتریکی شده را از سراسری افغانستان داشته و می‌تواند به‌عنوان تیم پیش‌تاز دوباره بر افغانستان حکمرانی نماید.

در این گریز و هیاوه‌ی دسته‌های انتخاباتی؛ اما کمیسیون مستقل انتخابات مشغول شمارش آرا و بررسی نتایج ابتدائی انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان می‌باشد. شماری از منابع آگاه از درون کمیسیون مستقل انتخابات، از نبود شفافیت لازم در بررسی و شمارش آرا ابراز نگرانی نموده و تأکید می‌کنند، که برخی حلقه‌های مشخص از درون حکومت در تلاش مهندسی آرا به نفع دسته‌های انتخاباتی‌اند. به باور این منابع، اگر وضعیت بررسی و شمارش آرا به شکل کنونی ادامه یابد، به‌صورت حتم بحران انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۴ یک بار دیگر دامن رهبری کمیسیون مستقل انتخابات را خواهد گرفت. هرچند یک روز پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، حوا علم نورستانی، رییس کمیسیون مستقل انتخابات در نشست خبری تأکید کرد که آرای بیومتریکی شده معیار اصلی برای شمارش و درج نتایج در دبتابیس این نهاد بوده و آرای بدون ثبت در دستگاه بیومتریکی به‌هیچ صورت قابل قبول برای این نهاد نمی‌باشد.

این در حالی است که شماری از ناظران انتخاباتی از نبود سیستم شفاف برای محاسبه آرا و نیز عدم میکانیزم مشخص برای جلوگیری از آرای بدون بیومتریکی در مرکز جمع‌بندی نتایج خبر می‌دهند. بر اساس معلومات این ناظران، میکانیزم تفکیک آرای بیومتریکی از آرای سفید، هنوز در درون کمیسیون مستقل انتخابات به صورت اساسی بررسی و نهایی نگردیده و به صورت عمدی آرای بدون بیومتریکی نیز در شمارش از سوی مسولین، مدار اعتبار قرار داده

قبل از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، نامزدان در گردهمایی‌های انتخاباتی شان از برنده شدن در انتخابات پیش رو برای هواداران شان اطمینان می‌دادند. کارزارهای انتخاباتی مملو از امید برای رسیدن به قدرت سیاسی و برقراری نظام سیاسی مطلوب بود. از این میان، دو رقیب سرسخت انتخاباتی (اشرف غنی و عبدالله عبدالله) در گردهمایی‌های انتخاباتی شان، بیشتر از دیگران، همدیگر شان را تخریب نمودند.

عبدالله‌عبدالله رییس اجرائیه، در یکی از همایش‌های انتخاباتی‌اش، از وجود فساد گسترده در حلقه‌های درون حکومت پرده برداشت و تمامی این حلقه‌ی فساد را به رییس‌جمهور غنی نسبت داد. او در مصاحبه‌های مطبوعاتی‌اش همیشه تأکید می‌کرد که رییس‌جمهور تمامی اختیارات و صلاحیت‌های سیاسی ریاست‌اجرائیه را محدود کرده و حلقه کوچک در درون ارگ تمامی منابع سیاسی را مدیریت می‌نماید. به باور آقای عبدالله، اشرف غنی نه تنها در صدد براندازی نظام ارباب‌رعیتی در افغانستان نیست؛ بلکه با تلاش‌های مخفیانه‌اش در صدد تثبیت جایگاه قومی خاصی با ایدولوژی مشخص می‌باشد. او از وجود حلقه مافیای که به دستور رییس‌جمهور غنی و با تلاش شماری از نزدیکان رییس‌جمهور ایجاد گردیده و تمامی منابع مالی ادارت دولتی را در دست دارد، خبر داد. هم‌چنین آقای عبدالله هشدار می‌داد که اگر این‌بار انتخابات به نتیجه‌ای قابل قبول نرسد، او و تیم همراه‌اش حاضر است که تحت هر شرایطی جلو تقلب‌های سازمان یافته و دسیسه‌های پنهان سیاسی را محدود نماید.

اما آن طرف میدان، رییس‌جمهور غنی و تیم‌اش، ادعاهای رییس‌اجرائیه را بی‌اساس می‌خواند و او را متهم به نداشتن برنامه عمل مشخص برای حکومت‌داری در افغانستان می‌نمود. اشرف غنی در مصاحبه‌های مطبوعاتی و کارزارهای انتخاباتی‌اش، رییس‌اجرائیه را فرد بدون چشم انداز سیاسی و تیم‌اش را گروهی از افراد غیر متخصص که هیچ برنامه عمل مشخص برای فعالیت‌های سیاسی و اداری شان ندارند، می‌خواند. این دو تیم شریک در قدرت؛ اما مورد هجمه سایر نامزدان نیز قرار داشتند. رحمت‌الله نبیل یکی دیگر از نامزدان مطرح این دور انتخابات ریاست‌جمهوری، در گردهمایی‌های انتخاباتی خویش از وجود فساد امنیتی در دستگاه‌های استخباراتی کشور پرده برداشت. نبیل، یکی از چهره‌های مطرح امنیتی کشور است، که سالیان زیادی در لایه‌های مختلف امنیتی و سکتورهای کشفی حضور داشته و از وضعیت امنیتی افغانستان تحلیل جامع و دیدگاه مشخص دارد. او در مصاحبه اختصاصی‌اش با تلویزیون طلوع، از جریان بازداشت انس حقانی و چگونگی روابط پنهانی

می‌شود. با این وجود به نظر می‌رسد که فرجام انتخابات ریاست‌جمهوری، برای کمیسیون مستقل انتخابات، با موانع زیر روبرو است.

۱- نبود ظرفیت مناسب برای مدیریت پروسه شمارش آرا و تفکیک آرای پاک از ناپاک در سطح رهبری کمیسیون مستقل انتخابات؛ مدیران ارشد کمیسیون مستقل انتخابات، نه تنها ظرفیت کافی برای مدیریت پروسه شمارش و بازرسی صندوق‌های رأی دهی ندارند بلکه در سطح رهبری نیز با همدیگر مشکلات فکری و اداری دارند. اعضای ارشد تصمیم‌گیرنده در این نهاد با بهره‌گیری از علایق شخصی و تیمی شان هر کدام در تلاش قهرمان‌سازی خویش بوده و کم‌ترین توجهی به واقعیت‌های عینی کمیسیون مستقل انتخابات و حقایق سیاسی کشور ندارند.

۲- حساسیت شرایط کنونی افغانستان در اعلان و شمارش آرا به شدت تأثیر داشته و کمیسیون مستقل انتخابات را با دشواری‌های ساختاری و کاری روبرو می‌سازد. شرایط ویژه کشور به خصوص توقف مذاکرات پیچیده صلح و تحرک بیشتر نظامیان طالبان در مناطق مختلف، فضای انتخاباتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی را برای کمیسیون‌های انتخاباتی دشوار ساخته است.

۳- عدم ظرفیت تخنیک کافی در درون کمیسیون مستقل انتخابات نیز باعث شده است که تفکیک آرای بیومتریکی از آرای بدون ثبت در دستگاه‌های بیومتریکی، با کندی انجام شود. اگر نامزدان انتخاباتی و ناظران بین‌المللی بر شمارش آرای بیومتریکی تأکید نمایند؛ کمیسیون مستقل انتخابات حد اقل برای مدتی زمانی محدود از فشارهای سیاسی رهایی می‌یابد، در غیر این صورت فشارهای وارده بر این نهاد باعث کندی کار و عدم دقت تخنیک خواهد شد.

۴- در کنار این موارد، با کمال تأسف اراده جدی و قاطع برای تفکیک آرای پاک از آرای ناپاک و ایجاد شفافیت در پروسه شمارش در سطح رهبری کمیسیون مستقل انتخابات وجود نداشته و تمامی عملکردهای اعضای ارشد این نهاد بر اساس علایق شخصی و تیمی انجام می‌شود. مدیران ارشد کمیسیون مستقل انتخابات بر اساس قانون وظیفه دارند که منافع علیای کشور را در نظر گرفته و بر اساس طرزالعمل‌ها و لوایح موجود تصمیم بگیرند، در غیر این‌صورت اعلان نتایج ابتدائی انتخابات ریاست‌جمهوری نه تنها بر بهبود وضعیت کنونی کمک نمی‌کند؛ بلکه باعث تشدید بحران و ادامه خشونت‌ها در کشور نیز خواهد شد.

تلاش برای از سرگیری گفت‌وگوهای صلح؛ قاعده‌ی بازی در دست که است؟

اسحق‌علی احساس



هرچند قبل از این نیز افغانستانی‌ها از قاعده‌ای این بازی دور بوده و نقش حاشیه‌ای در مذاکرات صلح داشته‌اند، اکنون اختلاف نظرها در میان حکومت و قشر سیاسی اگر به‌هیچ‌چیزی نینجامد، به ضعیف‌شدن موضع افغانستان در این گفت‌وگوها می‌انجامد.

طالبان در قطر اعلام کرد، که قرار است، یک‌هیأت گروه طالبان به پاکستان سفر کند. او هدف سفر این هیأت را صحبت با مقام‌های ارشد پاکستانی در باره‌ی «موضوعات مهم» اعلام کرد. این در حالی بود، که پس از توقف مذاکرات صلح میان امریکا و گروه طالبان از سوی ترامپ، اعضای هیأت طالبان به کشورهای ایران، چین و روسیه نیز سفر کرده بودند. در این میان آن‌چه جالب توجه است، واکنش و رویکرد دولت افغانستان در برابر این سفرها است. پس از آن‌که وزیر امور خارجه‌ی پاکستان در دیدار با هیأتی از گروه طالبان نسبت به از سرگیری گفت‌وگوهای صلح میان امریکا و نمایندگان طالبان ابراز امیدواری کرد، دولت افغانستان در واکنش به این دیدار گفت، که میزبانی از گروه طالبان «خلاف تمام اصول روابط میان کشورها

تا دوهفته قبل از تاریخ برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، پروسه‌ی صلح کشور در اولویت دولت امریکا قرار داشت و زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی این کشور در امور صلح افغانستان، از توافق قریب‌الوقوع صلح میان امریکا و گروه طالبان خبر می‌داد. توییت دونالد ترامپ اما جریان مذاکرات صلح را متوقف کرد و به شک و تردیدها نسبت به برگزاری و عدم برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در تاریخ تعیین‌شده‌ی آن پایان داد. گفت‌وگوهای صلح به حاشیه رفت و انتخابات ریاست‌جمهوری کشور مطابق تقویم انتخابات در ششم میزان برگزار شد.

چهارروز پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری (۱۰ میزان)، سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی

تیم الف وارد می‌شود

(۲۷ میزان تا اول عقرب ۱۳۸۰ خورشیدی) «صبح روز نوزدهم اکتبر با خبر خوشی آغاز شد. در پیام مرکز مبارزه با تروریسم آمده بود، که بنا بر برخی دلایل - فشار روس‌ها، یا ورود موفقیت‌آمیز تیم آلفا در شانزدهم اکتبر از سوی ارتش امریکا، یا صرفن مهارت مقامات ارشد اداری امریکا، هر دو دولت از پاکستان و تاجیکستان موافقت نهایی خود را با استفاده از حریم هوایی‌شان برای اعزام تیم الف نیروهای ویژه به افغانستان اعلام کرده‌اند. اگر هوا مساعد می‌بود، تیم امشب به طرف ما پرواز می‌کرد. سپس پیامی از خدمه‌ی پرواز خود در دوشنبه دریافت کردیم، حاکی از آن‌که هوا در ارتفاعات صاف است و آن‌ها آماده می‌شوند که امشب ساعت هشت حرکت کنند. بدین ترتیب آن‌ها حدود ساعت دهنیم شب به دره می‌رسند. ریک، ستان و داک هنوز هم از دیدار پایگاه هوایی بگرام بازنگشته بودند، بنابراین به ممتاز هر دو مورد را اطلاع دادم. از وی معذرت خواستم که این کار ممکن است در برنامه‌های مربوط به مراسم چهلم، اختلال ایجاد کند؛ اما او از بابت این خبرها استقبال کرد. او گفت که قبل از حرکت به سمت محل مراسم، ترتیب کارها را در محل فرود خواهد داد.

با توجه به این‌که روز قبل با مهندس عارف دیدار نداشتم، تصورم این بود، که آن‌ها هنوز هم بر پوشش غیرنظامی اعضای تیم، بعد از ورود به افغانستان تأکید دارند. از واکنش کلنل مالهلوند در روز قبل دریافتیم که افرادش یونیفورم نظامی بر تن دارند. با توجه به این‌که رهبران ائتلاف شمال در دست‌رس نبودند، موضوع را مسکوت گذاشتم و منتظر تحولات بعدی شدم.

صدای وسایط نقلیه‌ی حامل مورای، براد و بیش‌تر از همه بار هلیکوپتر همه‌ی ما را به سمت دَر جلوی مجموعه کشاند. مورای هیجان‌زده بود و می‌خندید و هنگامی که به من رسید، گفت: «گری، حدس بزن چه آورده‌ام؟» گفتم: «ده‌میلیون دلار دیگر؟» با خنده گفت: «نه، نه، چیزی بهتر از این‌ها. پنجاه کیلو قهوه‌ی استارباکس». با این حرف وی سرم را تکان دادم؛ اما نفهمیدم مرکز با چه تصویری قهوه‌ی استارباکس فرستاده است. گفت: «یادت نمی‌آید؟ در فهرست چیزهایی که تقاضا کرده بودیم، کریس پنجاه کیلو استارباکس و یک جلد انجیل خواسته بود.»

ریک، ستان و داک بعد از ظهر از جبهه‌ی کابل بازگشتند و گزارش دادند که وقتی یک ساعت پیش مشغول رانندگی بودند، مقبره‌ی فرمانده مسعود در قسمت بالایی تپه مملو از عزاداران بود. با خود گفتم کاش ما هم در مراسم شرکت می‌کردیم؛ اما ما دعوت نشده بودیم و من نمی‌خواستم سرزده به چنین جایی وارد شوم.

ممتاز ساعت چهار بعد از ظهر همان روز بازگشت. او محزون و غمگین بود و متوجه شدم که اشک ریخته است. به او گفتم که هوا در ارتفاعات خوب بوده است و هلیکوپتر ما از دوشنبه بدون مشکل بازگشته است. ما انتظار داشتیم که تیم الف طبق برنامه‌ی امشب برسد. ممتاز گفت که با مسوول بررسی هوا در گذرگاه انجمن تماس خواهد گرفت و وسایط نقلیه به حالت آماده‌باش خواهد بود.

ساعت شش بعد از ظهر با پایگاه هوایی ما در خان‌آباد تماس گرفتیم و ریک با کلنل مالهلوند صحبت کرد. هوای امشب خوب گزارش شده بود، اگرچه در ارتفاعات بالا ریسک سرمای شدید وجود داشت. یازده عضو تیم با استفاده از دو هلیکوپتر ام‌اچ-۵۳ پیولو اعزام می‌شدند و قرار بود ساعت ده شب به آستانه برسند. اد و گریگ به حالت آماده‌باش بودند و حدود ده دقیقه با خلبانان دو هلیکوپتر در مورد مسیر پرواز، علامت‌گذاری محل فرود و موقعیت دقیق آن تلفنی صحبت کردند...

ساعت ۹ و چهل و پنج در تماس با پایگاه نظامی ما در ازبکستان دریافتیم که به دلیل باد مخالف و سرمای شدید در ارتفاعات، هلیکوپترها با تأخیر به مقصد خواهند رسید. جز صبر و انتظار کار دیگری از دست ما بر نمی‌آمد. سپس ساعت ده و بیست دقیقه‌ی شب صدای پروانه‌های هلیکوپترها را از سمت شمال شنیدیم. لحظاتی بعد، دو هلیکوپتر با ارتفاع حدود پنجاه متری از بالای سر ما عبور کردند. منبع: گری سی، شرون، ۱۳۹۳، ماموریت سقوط، ترجمه: اسدالله شفایی، مرکز مطالعات صلح و توسعه، صص ۲۴۳-۲۴۶

است». صدیق صدیقی، سخنگوی رییس‌جمهوری کشور در یک‌نشست خبری تأکید کرد، که این نشست‌ها کمکی به‌روند صلح افغانستان نمی‌کند. آقای صدیقی خطاب به پاکستان گفت: «خواست همیشه‌ی ما از پاکستان این بوده، که پناهگاه‌های امن طالبان و تروریستان در خاک‌شان را از بین ببرند و در امنیت منطقه نقش مثبتی داشته باشند». این درحالی بود، که صبغت‌احمدی، سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی کشور از تلاش‌های پاکستان برای کشاندن طالبان به پای میز مذاکره با دولت افغانستان، ابراز امیدواری کرده و گفته بود، که صلح از اولویت‌ها و نیاز مردم افغانستان است و کابل از تلاش هرکشوری در این زمینه استقبال می‌کند. ماجراهای پس از این دو موضع‌گیری متفاوت، تنش‌ها میان ارگ و سپیدار و جنجال برسر برکناری و ابقای آقای احمدی را همه می‌دانیم و نیازی به شرح بیشتر نیست.

بنابراین تا این‌جای کار، مردم افغانستان شاهد موضع‌گیری دوگانه از سوی حکومت وحدت ملی در برابر سفر هیأت طالبان به پاکستان بوده‌اند. ارگ ریاست‌جمهوری از این سفر انتقاد کرده و میزبانی از هیأت طالبان از سوی پاکستان را خلاف تمام اصول روابط میان کشورها دانسته و وزارت خارجه‌ی کشور به‌صورت ضمنی از تلاش پاکستان در راستای صلح افغانستان استقبال کرده است. هرچند در گذشته نیز رابطه‌ی وزارت خارجه با ارگ ریاست‌جمهوری پرتنش بوده، این تنش‌ها اما بیشتر در مورد بروکراسی اداری بوده، نه مسئله‌های مهم و سرنوشت‌ساز ملی. به بیان روشن‌تر، دولت افغانستان در برابر پروسه‌ی صلح، دیدگاه واحد ندارد. ارگ ریاست‌جمهوری تلاش دارد تا هرگونه تلاش برای دست‌یابی به صلح که مدیریت آن در دست حکومت نباشد را سبوتاژ کند و ریاست اجرایی به‌شکل آرام با بسیاری از اقدامات و تلاش‌های که زیر نام صلح انجام می‌شود، سرسازگاری و توافق دارد و از آن استقبال کرده است.

با وصف آن‌که تا یک‌ماه دیگر دوره‌ی کار حکومت وحدت ملی به پایان خواهد رسید و حکومت جدید روی کار خواهد آمد، اما اختلاف دیدگاه در دستگاه حکومتی کشور، جریان گفت‌وگوهای صلح را پیچیده‌تر کرده و سناریوهای احتمالی را بیشتر و مهم‌تر. واقعیت این است، که امریکایی‌ها، پاکستان، روسیه و کشورهای دیگر منطقه و جهان، به‌تناسب نفوذشان بر وضعیت افغانستان و گروه طالبان، در قاعده‌ی بازی «جنگ و صلح افغانستان» شریک هستند. هرچند قبل از این نیز افغانستانی‌ها از قاعده‌ای این بازی دور بوده و نقش حاشیه‌ای در مذاکرات صلح داشته‌اند، اکنون اختلاف نظرها در میان حکومت و قشر سیاسی اگر به‌هیچ‌چیزی نینجامد، به ضعیف‌شدن موضع افغانستان در این گفت‌وگوها می‌انجامد. پیامد این وضعیت چیزی جز انزوای دولت و مردم این سرزمین در مذاکرات صلح نیست. بنابراین کار عاقلانه این است، که افغانستانی‌ها قبل از هرچیزی به یک‌اجماع داخلی در پیوند به گفت‌وگوهای صلح دست یابند و پس از آن از موضع واحد در برابر طرف‌های دخیل در پروسه، بر سر میز مذاکره بروند. راهی جز اجماع داخلی نیست، مردم و حکومت افغانستان برای حفظ ارزش‌ها و دست‌آوردها باید به اجماع داخلی دست یابند.

این حالت، لازم است که بنیادها و بنگاه‌های دینی-مذهبی به صورت اساسی مورد بازخوانی قرار گرفته و بسیج عمومی برای خروج از افراطیت انجام شود. ارزش‌های متین و اساسی دینی بدون شک راه‌گشا و قابل احترام است؛ اما افراطیت در هر سطحی می‌تواند خشونت‌ها و فقر اقتصادی را افزایش داده و باعث انهدام اجتماعی در سطوح مختلف گردد. از این جهت لازم است که اندیشمندان دینی با توسل به ابزارهای تغیر در درون مناسبات دینی و روشنفکران متعهد به ارزش‌های مدرن، به‌صورت مشترک با هم دیگر تلاش نمایند، تا مسیرهای توسعه‌ی بینش دینی فراهم گردیده و بسترهای خشن افراطیت برای همیشه نابود گردد.



لزوم عقلانیت‌گرایی در مراسم...

در برابر خواست‌ها و مطالبات مذهبی نیست؛ بلکه بیانگر بی‌خبری از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی نیز می‌باشد. متون اسلامی در مجموع تأکید بر تواضع، فروتنی، احترام متقابل و عدم تبعیض داشته و تصریح بر دست‌گیری و همکاری همگانی دارد. حضور گسترده مردم افغانستان در این مراسم‌ها، در حالی که کشور با انواع مصایب و مشکلات مالی و انسانی روبرو است، هیچ توجیه خردمندانه از یک باور سنتی در قرون گذشته و حال ندارد. اما با این وجود برای رهایی از

مراسم‌های مذهبی در کنار هزینه‌های هنگفت که دارند باعث اختلال روحی جامعه و از هم پاشیدگی نظم ساختاری در محیط اجتماعی می‌گردد. اکثر جوامع بشری و به‌صورت مشخص جوامع اسلامی در برخورد و مواجهه با مراسم‌های دست و پاگیر مذهبی نتوانسته‌اند موازنه عقلانی را حفظ نمایند. مراسم‌های چون رفتن به مکه و ادای سلوک خاص دینی-مذهبی با هزینه‌های گزاف و نیز شرکت در ایام اربعین در عراق به‌منظور زیارت قبر امام حسین، امام سوم شیعیان، نه تنها نمایش عقلانی

مراسم‌های چون رفتن به مکه و ادای سلوک خاص دینی-مذهبی با هزینه‌های گزاف و نیز شرکت در ایام اربعین در عراق به‌منظور زیارت قبر امام حسین، امام سوم شیعیان، نه تنها نمایش عقلانی در برابر خواست‌ها و مطالبات مذهبی نیست؛ بلکه بیانگر بی‌خبری از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی نیز می‌باشد.

متناسب بودن مجازات با شخصیت مجرم

چکیده

مجازات سنگین مجرمین از سوی قوه‌ی قضاییه بنا به سخت‌گیر بودن قوانین جزایی در بعضی کشورها نه تنها سبب اصلاح و تجدید تربیت مجرمین نه شده، بلکه مجرمین را پس از اكمال دوره‌ی محکومیت آن‌ها در زندان‌ها عقده‌ای بار آورده و حسن انتقام را در وجود آن‌ها تشدید می‌بخشد.

مقدمه

همه می‌دانیم، که در جوامع انسانی، جرم همواره وجود داشته در هر زمان و مکان اتفاق می‌افتد. هیچ‌گاه هم به‌صورت کامل قابل محو نبوده، بلکه با اجرای یک سلسله تدابیر و اقدامات پیگیرانه و دوام‌دار می‌توان آن‌را کاهش داد اما به صورت کامل قابل محو نمی‌باشد. از سوی هم، جرم همواره مورد توجه و تفکر اندیشمندان بوده است. این توجه و تفکر موجب به‌وجود آمدن روش‌های متفاوت در قبال مجازات مجرمین و هم‌چنان به تصویب قوانین جدید در اکثر کشورها گردیده، که اکنون عدالت ترمیمی در حال جایگزین شدن به عدالت سنتی و پیش پا افتاده می‌باشد. در این مقاله ابتدا شناخت علل و عوامل ارتکاب جرم، سپس مسئله‌ی اعمال مجازات از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. فصل اول: در توصیف قضایی جرم.
۲. فصل دوم: در توصیف اجتماعی جرم.
۳. فصل سوم: در نقش شخصیت انسانی.

واژه‌های کلیدی:

تناسب، برابری، علل و عوامل، شخصیت مجرم، عدالت قضا.

فصل اول: در توصیف قضایی جرم

از نظر قضایی جرم عبارت از فعل یا ترک فعل که باعث اخلال نظم عمومی شده و مقنن برای مرتکب آن مجازات تعیین کرده باشد. بر اساس این تعریف، جرم دو عنصر بیشتر ندارد: ۱- عمل برخلاف قانون یا نظم اجتماعی، ۲- عملی که قبل از مشخص گردیده و برای مرتکب آن مجازات تعیین شده.

عمل خلاف نظم اجتماعی

اولین عنصر تشکیل‌دهنده‌ی جرم عبارت است از ارتکاب عملی که خلاف نظم اجتماع باشد، البته منظور از نظم اجتماع، نظم اخلاقی و مذهبی و یا نظم حقوق خصوصی نیست. در حقوق فعلی عدم رعایت اصول صرفن اخلاقی و مذهبی فی‌نفسه جرم محسوب نمی‌شود. کفر و لعان و انتحار در قلمرو قوانین جزایی جدید مجازات ندارند. از بیان فوق مقصود این است، که نقض مقررات مذهبی و اخلاقی هیچ‌وقت مجازات نمی‌شود، بلکه مقصود این است که جرم مذهبی وجود ندارد و اگر اصول عالی اخلاقی و مذهبی وارد عرف شده و مورد عنایت و توجه مردم قرار بگیرد، مقنن جزایی تحت تاثیر افکار عمومی قرار گرفته و برای اجرای صحیح و کامل اصول مذهبی ضمانت اجرا تعیین می‌نماید. در این صورت اعمال فوق فقط به لحاظ این که قانون جرم دانسته، مجازات می‌شوند. نظم اجتماع و نظم حقوق خصوصی دو امر متفاوت می‌باشد. ضمانت اجرای تخطی به حقوق فردی بیشتر جنبه‌ی مدنی داشته و در محاکم حکم به ترمیم خسارت و ضروریان داده می‌شود. در قلمرو عقود و ایقاعات و تعهدات در صورت عدم شرایط صحت متضرر می‌تواند از دادگاه بطلان یا فسخ معامله را بخواهد. موضوع قابل توجه این است، که امور مربوط به نظم اجتماع را از کجا تشخیص بدهیم و به چه نحو بدانیم، که امر مربوط به نظم حقوق خصوصی است یا نظم عمومی و اجتماعی؛ فی‌المثل گران‌فروشی اگر چه جنبه‌ی عمومی داشته و مربوط به نظم اجتماعی است، عدم پرداخت دین جنبه‌ی جزایی ندارد ولی ترک انفاق جرم محسوب می‌شود. به این ترتیب معلوم می‌شود، که برای تشخیص موضوع ضابطه‌ی عقلی و کلی وجود ندارد و قانون است که آمرانه موارد را مشخص می‌کند.

عمل پیش‌بینی شده در قانون

اصل قانونی بودن جرم: عمل خلاف نظم عمومی را قانون تعریف و عناصر متشکله‌ی آن را تعیین می‌نماید. این امر برای حفظ حقوق و آزادی‌های افراد تضمین مهمی است، محاکم و سارنوالی حق ندارد به‌علت ارتکاب عملی که قانون برای آن مجازات تعیین نکرده، فردی را تعقیب یا محکوم نماید، هرچند عمل انجام‌شده مضر به نظم اجتماع باشد. در شرع اسلام عقاب بلائیان مذموم گردیده و مواد ۵ و ۸ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، مورخ ۱۷۸۹ اصل قانونی بودن جرم و مجازات را جز حقوق و آزادی‌های اساسی و اولیه‌ی افراد معرفی نموده و بالاخره ماده‌ی ۴ قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه با الهام از نظرات فوق مقرر داشته: «هیچ جنبه‌ی جنایت و خلافی را نمی‌توان مجازات کرد، مگر به موجب قانونی که قبل از ارتکاب

قاعده‌ی تساوی در مجازات اگر نفع افراد را تامین می‌نماید، برعکس دفاع اجتماع را تضمین نمی‌کند. هرگاه فقط عمل و قانون را در نظر بگیریم، مجازات با شخصیت مجرم متناسب نخواهد بود و در نتیجه اثری نخواهد داشت. اجتماع قصد انتقام‌جویی ندارد و هدف اصلی از اجرای مجازات حفظ نظم عمومی است، به‌وسیله‌ی اصلاح و تربیت مجرم. ولی چطور می‌توان مجرم را اصلاح کرد و در حالتی قرار داد که مرتکب جرم نشود؟ آیا با اجرای مجازات‌های قانونی بخاطر ارتکاب اعمال معینه می‌توان به هدف فوق نایل شد؟ مسلمان نه، بخاطری که از بدو پیدایش بشر تا کنون همیشه مجازات وجود داشته و مجرمین را حتا با شدیدترین اعمال شکنجه‌ها، مجازات کردند، لیکن آیا جرم ریشه‌کن گردیده؟ آیا توانسته‌اند نتیجه بگیرند؟ آیا حقوق و آزادی‌های افراد را تضمین کرده‌اند؟ متأسفانه جواب تمامی این سوالات منفی است و جز این هم نمی‌توانست باشد، زیرا قانونی که قتل نفس را مجازات می‌کند و توجهی به قاتل ندارد، قانونی که فقط سرقت و هتک ناموس را تعریف می‌نماید و سارق و متجاوز را نمی‌شناسد، نمی‌تواند موثر واقع شود. به همین دلیل است، که آمار جرایم هر روز بیشتر شده و حقوق و آزادی‌های افراد دست‌خوش جنایتکاران می‌گردد. امروزه در نتیجه‌ی توسعه‌ی علوم روانشناسی و روانکاوی به این نکته توجه شده است، که مجرم مثل یک نفر مریض می‌ماند و زندان و اداره‌ی محابس به منزله‌ی بیمارستان‌ها هستند. آیا اگر ما تعداد بیمارستان‌ها را افزایش بدهیم، از وجود مریض‌ها کاسته می‌شود؟ یا سطح معلومات عمومی را بالا ببریم و علل سرایت ناخوشی را به مردم نشان بدهیم، مرض ریشه‌کن می‌گردد؟ واضح است، که اگر میکروب مرض در جامعه وجود داشته باشد، مریض به محض مرخصی از بیمارستان و عدم آشنایی با مقررات بهداشت، مجدداً مبتلا خواهد شد، ما باید میکروب‌ها را از میان ببریم و راه مبارزه با آن را نشان بدهیم. ما باید اول درد را بشناسیم و آنگاه به درمان آن اقدام کنیم. مجازاتی که به

منزله داروی شفابخش نباشد اثر نخواهد داشت، مگر این‌که مرض را تشخیص داده باشیم و علت آن را بدانیم. اگر جرم فقط جنبه‌ی قضایی داشته باشد، برای ورود به‌کادر دادگاه‌های جزای احتیاج برای تخصص در حقوق و روانشناسی نیست و هر فرد با سواد می‌تواند، قانون جزا را بخواند و به مفاد آن عمل کند. به‌طور مثال ماده‌ی ۱۶۹ کد جزای افغانستان مجازات قتل عمدی را اعدام تعیین کرده است. هرکس که خواندن و نوشتن فارسی را بلداند، می‌تواند دستور بدهد، که احمد محمود را کشته است و باید اعدام گردد، این نحو استنتاج و استخراج خیلی ساده و آسان است. ولی آیا قضاوت یعنی همین؟ خواندن مواد قانون جزا و تطبیق آن با اعمال خارجی؟ به قول پروفیسور لوسور در این نحو قضاوت فرد انسانی به منزله عروسکی است، که اول قاضی شماره ماده‌ی قانون جزا را به گردش می‌آورد و آنگاه اداره‌ی محابس شماره‌ی سلولش را تعیین می‌نماید. این است، که نتیجه‌ی مطلوب که ریشه‌کن کردن جرم باشد، تحصیل نمی‌گردد؛ متأسفانه در دادگاه‌های افغانستان هم به این موضوع کم‌تر توجه می‌گردد، استدلال فقط برای انتساب جرم می‌باشد و لاغیر. سعی و اهتمام باز پرس و حاکم دادگاه در این است، که وقوع جرم را محرز داشته و متهم را مرتکب آن معرفی نمایند و بس. هر چند در این زمینه نیز به لحاظ وجود عللی که فعلن مجال بیان آن نیست، اغلب اشتباهات رخ می‌دهد و اکثرن با استدلال و منطق عقلی متهم را محکوم و یا تبرئه می‌نماید و می‌دانیم که صرف منطق همیشه منطبق با حقیقت و واقعیت نیست؛ به‌قول مولانا: «پای استدلالیان چوبین بود - پای چوبین سخت بی‌تمکین بود». مع‌الوصف باید اعتراف کرد، که قضاوت حقیقی بعد از احراز وقوع جرم و انتساب آن به مجرم شروع می‌شود. به‌عبارت دیگر برای جرمی که وقوعش محرز است و برای کسی که یقیناً مرتکب عملی بوده، باید مجازاتی تعیین نمود، که هم مفید به‌حال مجرم و هم نافع به نظم اجتماع باشد. در این جا مواجه با جنبه‌ی اجتماعی و انسانی جرم می‌شویم.

قانونی‌که قتل نفس را مجازات می‌کند و توجهی به قاتل ندارد، قانونی‌که فقط سرقت و هتک ناموس را تعریف می‌نماید و سارق و متجاوز را نمی‌شناسد، نمی‌تواند موثر واقع شود. به همین دلیل است، که آمار جرایم هر روز بیشتر شده و حقوق و آزادی‌های افراد دست‌خوش جنایتکاران می‌گردد.

